

کردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلقی کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۶۸۶، پنجشنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۵، ۶ اکتبر ۲۰۱۶، ۵۰۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

دفتر سیاسی حزب
دمکرات:

رسالت معلمان فرهیخته
است که کودکان را بر مبنای
آموزش مدرن و آندیشه‌ی
آزادخواهی تعلیم دهند



مبارزه غیرخسونت‌آمیز و
وضعیت ایران



بررسی راسان از
دریچه‌ی یک خبر



لرها کیستند و لرستان
کجاست؟



راسان متوقف نخواهد شد

سفن

جنگ روانی

کریم پرویزی

جمهوری اعدام اسلامی از طریق هجوم نظامی و سازماندهی نهادهای سرکوبگری همچون وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه، مبارزین و فعالین راسخ کردستان را هدف قرار داده و با گسترش دامنه‌ی سرکوب و شکنجه، در صدد شناسایی شهروندان متعهد و فعالین باورمند به آرزوهای ملی و دمکراتیکی است که موضع راسخی علیه ظلم و ستم دارند. لیکن از بُعدی دیگر، دشمن اصلی ملت کرد یعنی جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های فاشیستی و شونیستی و تاکتیک "تفرقه بینداز و حکومت کن" و کاربرد ابزارها و فنون جنگ روانی و تبلیغی می‌خواهد جامعه‌ی کردستان را از درون دچار فروپاشی نموده و به زانو درآورد.

رژیم اگر در جنگ و تاکتیک‌های نظامی تنها قادر به فشار بر افراد و اعدام افرادی از جامعه بوده یا می‌تواند یکی از فرزندان به پا خاسته‌ی ملت کرد را به شهادت برساند، لیکن با جنگ تبلیغی و سیاست‌های پلید خویش در صدد به بردگی کشاندن کل جامعه است.

جنگ روانی دارای ابعاد بسیار مختلفی است، لیکن یکی از خطرناک‌ترین ابعاد این جنگ، آن است که جمهوری اسلامی با توسل به سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" تا آنجا پیش می‌رود که میان نیروها و جریانات و حتی آحاد جامعه‌ی کردستان، به ویژه کسانی که دارای مواضع انقلابی بوده و در برابر ظلم و ستم می‌ایستند، اختلاف و تفرقه ایجاد کند به گونه‌ای که بذر تردید نسبت به یکدیگر را در میان آنان بکارد تا یکدیگر را واداده و روحیه‌باخته و وابسته به این دشمن و آن دشمن بخوانند و مبارزات و تلاش‌های یکدیگر را خدمت به این و آن تلقی کنند و این یکی به آن یکی بگوید که تو در راه منافع دشمن گام برمی‌داری. این پدیده‌ی نفاق‌افکنی و ایجاد جو بی‌اعتمادی و یک روز حمایت از این یکی و روز



مربوان و شروین سوزه ساکن "نودشه" اعلام شده است. وجود جاده‌های غیراستاندارد و اکثراً با اهداف و مصارف صرفاً نظامی علیه جنبش ملی دمکراتیک کردستان، یکی از مهمترین علل حوادث جاده‌ای در کردستان تلقی می‌گردد.

بلافاصله جان خود را از دست داد و چندین تن دیگر نیز به شدت زخمی شدند که ۳ تن از آنان نیز پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست دادند. هويت این جانباختگان: "میلاد آذری ساکن مربوان، اسماعیل بازگیر ساکن روستای "حسن قره"

فرزندان ملت کرد شدیم و از برادرانمان در اقلیم کردستان انتظار داشته و داریم که دست کم اگر نمی‌توانند با ما همکاری کنند، برایمان مشکل و محدودیت نیز ایجاد نکنند، زیرا مبارزات کنونی ما در کردستان ایران که دشمن را به لرزه انداخته، پشتوانه‌ی مهمی برای اقلیم کردستان و احزاب آن نیز خواهد بود که بیش از این به رژیم ایران اجازه ندهند اقلیم را تحت فشار قرار داده و منطقه را تبدیل به میدان تاخت و تاز خود نمایند." آقای جهانگیری در رابطه با فشارهای موجود جهت توقف مرحله‌ی نوین مبارزات حزب دمکرات اظهار داشت: "فشار جهت متوقف ساختن مبارزه و مقاومتان در داخل کردستان ایران را از هر سویی که باشد، کاملاً مردود دانسته و زیر بار آن نخواهیم رفت. از همان روز نخست که رهبری حزب چنین تصمیمی گرفت، بر اساس تحلیل و خوانش واقعه‌گرایانه‌ی سیاسی از وضعیت منطقه و ایران بود و چندین سال است که برای این مسئله تلاش نموده و موانع و محدودیت‌های موجود بر سر راه این مبارزه را که تنها از جانب کردستان عراق

حزب دمکرات کردستان ایران شایعه‌ی عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگه‌ی خود از مرزهای کردستان ایران و اقلیم کردستان عراق را قویاً تکذیب نمود. پس از آن که برخی رسانه‌ها به گونه‌ای هدفمندانه خبر عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگه‌ی حزب دمکرات از مناطق مرزی را منتشر نمودند، مقامات مربوطه در حزب دمکرات کردستان ایران این خبر را ساختگی و کذب اعلام نمودند. در همین رابطه، رستم جهانگیری، عضو دفتر سیاسی و مسئول شورای نظامی حزب دمکرات در گفتگویی با تلویزیون تیشک اعلام نمود: "عقب‌نشینی ما شایعه‌ای بی‌اساس بوده و در هیچ نشست و دیداری چنین مسأله‌ای را مطرح ننموده‌ایم. در این رابطه زیر بار هیچ فشاری نخواهیم رفت و من با مسئولیت کامل این خبر را تکذیب می‌کنم." مسئول شورای نظامی حزب در این گفتگو اظهار داشت: "زمانی که تصمیم گرفتیم مرحله‌ی نوینی از مبارزات خود را در کردستان ایران آغاز نماییم، تمامی جوانب این مبارزه را در نظر گرفته و خواستار یاری و همکاری در مسیر این مبارزه از سوی دوستانمان و

مربوان، علیه جاده‌های مرگ خروشید

حکومتی به حوادث ناگواری است که تانکرهای حمل سوخت سالانه در جاده‌های این منطقه به بار می‌آورند. در این زمینه کمیته‌ی تحت عنوان "نه به تانکر مرگ" از سوی فعالان کرد برپا شده که خواستار حل مشکلات رفت و آمد تانکرهای سوخت هستند که زندگی شهروندان را تهدید می‌کند. تانکرهای سوخت تاکنون چندین حادثه‌ی ناگوار را در شهرهای مختلف کردستان موجب شده‌اند. مقامات رژیم ایران و وزارت راه و ترابری تاکنون هیچ اقدامی برای حل این مشکل انجام نداده‌اند.

این اعتراضات مردم مربوان پس از آن است که ساعت ۱۰ شب سه‌شنبه ششم مهرماه در جاده نگل-مربوان در پی واژگون شدن یک تانکر سوخت، ۶ اتومبیل دیگر نیز دچار حادثه شدند. طی این حادثه یک شهروند مربوانی به نام "عمار عمیدی"



سیزدهم مهرماه ۱۳۹۵ خورشیدی، مردم مربوان نسبت به رفت و آمد تانکرهای حمل سوخت که در جاده‌های این شهر آمد و شد دارند و زندگی شهروندان را به خطر انداخته است، اعتراض کردند. اعتراض شهروندان مربوان نسبت به کم‌توجهی مسئولان

مردم مربوان در اعتراض به سهل‌انگاری مقامات رژیم در قبال خطرات تانکرهای حمل سوخت که جان و زندگی ساکنان این شهر را تهدید می‌کنند، به خیابان‌ها آمدند. بر اساس گزارش آژانس خبرسانی کردیا، روز سه‌شنبه

ادامه در صفحه ۳

دفتر سیاسی حزب دمکرات: رسالت معلمان فرهیخته است که کودکان را بر مبنای آموزش مدرن و اندیشه‌ی آزادیخواهی تعلیم دهند

که این سرآغاز زینوساید سفید فرهنگی در ایران است. در این رابطه، مسئولیت خطیری بر دوش جوانان آگاه و آموزگاران مبارز و انقلابی قرار می‌گیرد که عبارتست از گشودن راه‌های ممکن برای تحصیل و یادگیری زبان مادری تا از این طریق، هم زبان مادری خویش را پاس بدارند و هم در مقابل سیاست‌های شوینستی رژیم و ایدئولوژی حاکم بایستند. با امید به آن که با سرنوشتی رژیم ولایت فقیه، سیستم آموزشی در ایران و در میان ملیت‌های ایران تبدیل به سیستمی امروزی، انسان‌محور و به دور از امحا و تبعیض مبدل گردد. یکبار دیگر، سال تحصیلی جدید بر تمامی دانش‌آموزان و معلمان در ایران، در ایران به ویژه دانش‌اندوزان و آموزگاران کرد خجسته باد.

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی
۳ مهرماه ۱۳۹۵ خورشیدی

کردن آموزش می‌گویند و هنوز دسته دسته جوانان ایران که در فرایند آموزش تحت سیطره‌ی ایدئولوژی ولایت فقیه، تحصیلات خود را به پایان رسانده‌اند، استوار و با صلابت در برابر بنیان‌های تروریستی اندیشه‌ی ولایت فقیه می‌ایستند. رسالت معلمان فرهیخته و دانش‌دوست و بشردوست است که برخلاف آموزه‌های جمهوری اسلامی، کودکان و جوانان را با آموزش مدرن و اندیشه‌ی آزادیخواهی و دانش‌دوستی آشنا نموده و تعلیم دهند. در ایران تحت سلطه‌ی حکومت ستمگران، سال تحصیلی جدید همزمان با فصل نوینی از حذف و امحا و یورش سازمان‌یافته علیه زبان مادری است. در ایران تحت اشغال زمامداران متمدن و آزادی‌ستیز، فرایند آموزش با ممنوعیت زبان مادری توأم شده و کودکان ملیت‌های تحت ستم از جمله ملت کرد بایستی به زبانی که برای آنان بیگانه محسوب می‌شود، فرایند تحصیل و یادگیری را طی کنند

بدین مناسبت، مراتب شادبانش خود را تقدیم تمامی دانش‌آموزان، دانش‌اندوزان و کلیه‌ی معلمان فرهیخته و دانش‌دوست در ایران نموده و امیدواریم در سال تحصیلی جدید، خرمن دانش انسانی امروزی و انسان‌محور در مدارس و در اذهان کودکان، پرتمتر گردد. همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، مشکل و رنج دیگری نیز بر سر راه دانش‌اندوزان و معلمان در ایران قرار دارد که همانا گنجاندن درس‌های ایدئولوژیک و واپسگرایانه در زمره‌ی دروس تحصیلی است که رژیم ولایت فقیه، در نهایت ضدیت با آموزش و پرورش علمی و انسان‌محور، درس جهل و واپسگرایی را به کودکان و جوانان ایران می‌آموزد که تمامی این تلاش‌های مذبحخانه‌اش نیز با شکست مواجه شده است، زیرا با گذشت ۳۶ سال از کودتای فرهنگی‌شان علیه دانشگاه‌ها در سال ۱۳۵۹ خورشیدی، همچنان از تداوم فرایند اسلامی



را به سلاح دانش و آگاهی برای در دست گرفتن سرنوشت آینده‌ی کشور مجهز نمایند. در همین حال، سال نو تحصیلی برای آموزگاران مدارس نیز فصل نوینی از تلاش برای پرورش و تعلیم کودکان و جوانان کشور است تا با زحمت و کوشش خود، نسل آینده‌ی کشور را با دانش نوین آشنا نموده و از جهل و بیخبری برهانند.

همزمان با آغاز فصل پاییز و تغییر شرایط آب و هوایی در ایران است و همزمان با کاهش گرمای هوا، فصل نوینی از تلاش در راه دانش‌اندوزی و یادگیری آغاز می‌شود. فصل دانش‌اندوزی و تحصیل در ایران برای تمامی دانش‌آموزان و علم‌اندوزان، سرآغاز سال دیگری از فرایند رشد و تعلیم و پرورش علمی است تا خود

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران با صدور بیانیه‌ای در رابطه با آغاز سال تحصیلی در ایران، فرایند آموزشی و تحصیلی در ایران به زبان غیرمادری را زینوساید فرهنگی خواند. متن این بیانیه به شرح زیر است: آغاز سال نو تحصیلی بر دانش پژوهان و آموزگاران خجسته باد، هم‌میهن‌گرامی! آغاز سال تحصیلی در ایران،

دبیر کل حزب دمکرات از وزارت خارجه‌ی آلمان دیدار نمود

آلمان ضمن ابراز خرسندی از دیدار با هیأت حزب، اظهار داشت: ارزیابی‌های حزب دمکرات از مسائل خاورمیانه بسیار واقع‌بینانه بوده و همگان نقش به منفی ایران در منطقه معترف و واقف هستند، درست است که مسأله‌ی اتمی میان ایران و غرب حل و فصل شده، لیکن اختلافات بارز دیگری با ایران وجود دارد که تا هنگامی که تغییر مثبتی در این رژیم ایجاد نشود، این اختلافات به قوت خود باقی خواهند ماند. نامبرده همچنین افزود: ما امیدواریم اختلافات شما با رژیم ایران و به طور کلی تمامی مشکلات و اختلافات منطقه بدون جنگ و خونریزی حل و فصل شوند، لیکن اوضاع منطقه بیانگر واقعیتی غیر از این است.

ایران وجود ندارد و این رژیم راه حل تمامی مشکلات را در اجبار و زور و سرکوب مخالفان خود می‌داند. در این ارتباط، همچنین دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران اظهار داشت: ما راسان را در کردستان ایران اعلام نمودیم تا بتوانیم از یک سو ملت کرد را از ظلم و اجحاف مصون بداریم و از سوی دیگر به رژیم ایران اعلام نماییم که ما بر خواست‌های برحق خود پافشاری می‌نماییم و به هیچ عنوان از موضع خود عقب‌نشینی نخواهیم کرد. آقای هجری در ادامه به نقش منفی و مخرب رژیم ایران در منطقه اشاره نمود و جمهوری اسلامی ایران را نیرویی دانست که منافع و بقای خود را در ایجاد ناامنی و جنگ و تفرقه‌انگیزی و بحران‌آفرینی در خاورمیانه می‌داند و از همین رو به عامل اصلی ایجاد تنش و بحران در منطقه تبدیل شده است.

توقف مبارزات مسلحانه از سوی ما، مراعات وضعیت اقلیم کردستان بود، لیکن در حقیقت تمامی تلاش خود را به کار بردیم تا مسأله‌ی کرد در ایران را به ساحل امنی هدایت کنیم، لیکن حقیقت آن است که جمهوری اسلامی ایران اساساً هیچ اعتقادی به حقوق ملت کرد و سایر ملیت‌های تحت ستم ایران ندارد، از همین رو معتقدیم که بایستی فشارهایمان را بر رژیم افزایش دهیم، لذا تصمیم ما مبنی بر حضور پیشمرگه‌ها در عمق کردستان ایران پس از بررسی و مطالعه‌ی دقیق اوضاع از سوی رهبری حزب اتخاذ گردید و اکنون به صورت بسیار جدی در حال گسترش این حضور هستیم. سپس آقای شنایدر مسئول بخش خاورمیانه‌ی وزارت امور خارجه‌ی



دبیرکل حزب دمکرات در رابطه با راسان کردستان ایران و رویارویی نیروی پیشمرگه با سپاه اشغالگر پاسداران اظهار داشت: جمهوری اسلامی بیست سال فرصت داشت که مسأله‌ی کرد را از راه مسالمت‌آمیز و دیالوگ حل و فصل نماید. گرچه بخشی از دلایل

مردم ایران بازتر شده و اعدام، سرکوب و پیگرد فعالان سیاسی و دگراندیشان در سایه‌ی دولت به اصطلاح میانه‌رو روحانی افزایش یافته است و در کردستان نیز در مقایسه سایر مناطق ایران، ظلم و سرکوب علیه آزادیخواهان با شدت بیشتری ادامه دارد.

حزب دمکرات، پیامدهای برجام و تأثیرات آن بر اوضاع داخلی ایران و نقش رژیم ایران در تنش‌های خاورمیانه مورد بحث و گفتگو قرار گرفتند. دبیرکل حزب دمکرات ضمن تشریح این موضوعات برای هیأت میزبان، بر این مسأله تأکید نمود که برجام تاکنون از لحاظ اقتصادی هیچ پیامد مثبتی برای مردم ایران و کردستان در پی نداشته است، لیکن با اطمینان می‌توان گفت سرمایه‌های آزادشده‌ی که از این طریق به دست رژیم می‌افتند، صرف مداخلات ویرانگرانه در امور داخلی کشورهایی همچون عراق، سوریه، لبنان و یمن می‌گردند. آقای هجری در این رابطه افزودند: پس از توافق میان رژیم و غرب، دست رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب

مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در ادامه‌ی دیدارهای دیپلماتیک خود در آلمان، با مقامات وزارت امور خارجه‌ی این کشور دیدار نمود. دبیرکل حزب دمکرات روز جمعه ۹ مهرماه ۱۳۹۵ خورشیدی به همراه هیوا بهرامی، نماینده‌ی حزب در آلمان ضمن بازدید از وزارت امور خارجه‌ی این کشور، با مقامات این وزارتخانه دیدار و گفتگو نمود. در بدو ورود، مسئول بخش خاورمیانه و همچنین مسئول میز ایران در وزارت امور خارجه‌ی آلمان از هیأت حزب دمکرات به گرمی استقبال نمودند. در این دیدار، مسائل مهمی از قبیل مسأله‌ی کرد در کردستان ایران و اعلام مرحله‌ی نوین مبارزه (راسان) از سوی

کمیسیون حقوق بشر در پارلمان آلمان، مورد استقبال قرار گرفتند. در این دیدار، آقای پازیلت ضمن ابراز خرسندی از دیدار با هیأت حزب، اظهار داشت: این نخستین بار است که به طور مستقیم با یکی از احزاب کرد در کردستان ایران نشست و دیدار داشته‌ایم و این موضوع برای من بسیار مهم می‌باشد. آقای پازیلت در ادامه تاریخ ملت کرد را ملامت از ظلم و زور ستمگران دانست و افزود: کشورهای اروپایی و برخی از سیاستمداران تاجر مسلک سهم عمده‌ای در ایجاد فضایی آکنده از ظلم و زور برای ملت کرد داشته‌اند. از همین رو، من و همفکرانم در فراکسیون حزب دمکرات مسیحی، هنگامی که بحث دادن اسلحه به اقلیم کردستان به میان آمد، علیرغم داشتن افکار ضد جنگ و خشونت، لازم دیدیم که اسلحه و مهمات به اقلیم کردستان داده شود تا بتوانند در

مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در پارلمان آلمان در دیدار با فراکسیون حزب دمکرات مسیحی آلمان اظهار داشت: ما راسان را در کردستان ایران اعلام نمودیم تا از این طریق بتوانیم از یک سو ملت کرد را از ظلم و اجحاف مصون بداریم و از سوی دیگر به رژیم ایران اعلام نماییم که ما بر خواسته‌های برحق خود پافشاری می‌نماییم و به هیچ عنوان از موضع خود عقب‌نشینی نخواهیم کرد. روز چهارشنبه ۷ شهریور ۱۳۹۵ خورشیدی، هیأت حزب دمکرات کردستان ایران متشکل از مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران و هیوا بهرامینماینده حزب دمکرات در آلمان، از پارلمان آمان دیدار نمود و از جانب مارتین پازیلت از اعضای پارلمان وابسته به فراکسیون پارت دمکرات مسیحی سی.دی.یو و از اعضای

مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در پارلمان آلمان در دیدار با فراکسیون حزب دمکرات مسیحی آلمان اظهار داشت: ما راسان را در کردستان ایران اعلام نمودیم تا از این طریق بتوانیم از یک سو ملت کرد را از ظلم و اجحاف مصون بداریم و از سوی دیگر به رژیم ایران اعلام نماییم که ما بر خواسته‌های برحق خود پافشاری می‌نماییم و به هیچ عنوان از موضع خود عقب‌نشینی نخواهیم کرد. روز چهارشنبه ۷ شهریور ۱۳۹۵ خورشیدی، هیأت حزب دمکرات کردستان ایران متشکل از مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران و هیوا بهرامینماینده حزب دمکرات در آلمان، از پارلمان آمان دیدار نمود و از جانب مارتین پازیلت از اعضای پارلمان وابسته به فراکسیون پارت دمکرات مسیحی سی.دی.یو و از اعضای

مصطفی هجری با فراکسیون حزب دموکرات مسیحی در پارلمان آلمان دیدار نمود

هیأتی از حزب دمکرات در مراسم روز استقلال عربستان سعودی شرکت نمود



هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران در مراسم روز استقلال عربستان سعودی در شهر اربیل، پایتخت اقلیم کردستان حضور یافت. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، روز دوشنبه پنجم مهرماه، کنسولگری عربستان سعودی در اقلیم کردستان ویژه مراسمی به مناسبت روز استقلال عربستان با حضور مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان، سرکنسولهای شماری از کنسولگری‌ها و دیپلمات‌های خارجی و عربی و شخصیت‌های سیاسی و سرشناس کرد و عرب در هتل دیوان در اربیل برگزار نمود. در این مراسم، ابتدا عبدالمنعم عبدالرحمن محمود، سرکنسول عربستان سعودی پیامی بدین مناسبت قرائت کرد. وی در این پیام، ضمن خیرمقدم به مهمانان شرکت‌کننده در این مراسم، سخنانی پیرامون ارتباط دوستانه کشورش با ملت‌های منطقه و به ویژه مبارزه با تروریسم ایراد نمود. سرکنسول عربستان سعودی همچنین در سخنان خود به پیشرفت‌های این کشور از سال ۱۹۲۳ تاکنون از لحاظ صنعت و تولید اشاره نمود و بر تلاش مستمر عربستان به اتفاق دوستان این کشور برای خدمت به انسانیت تأکید کرد.

عبدالمنعم عبدالرحمن محمود در بخش دیگری از سخنان خود از حضور رئیس اقلیم کردستان در این مراسم تقدیر و تشکر نمود. سپس پیام رئیس اقلیم کردستان توسط فلاح مصطفی، مسئول دفتر روابط خارجی حکومت اقلیم کردستان قرائت گردید. بارزانی در این پیام بر جنگ با تروریسم و داعش تأکید به عمل آورده و از دوستان عرب و هم‌پیمانان کرد برای آزادی شهر موصل و پروسهی تأسیس سیستم حکومتی این شهر دعوت به همکاری نمود که تجربه‌ی تلخ گذشته بار دیگر تکرار نشود. در این مراسم، هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی محمدنظیف قادری، عضو دفتر سیاسی

دیدار هیأت‌های نمایندگی اتحاد برای دمکراسی در ایران و حزب دمکرات کردستان ایران

دیدار هیأت‌های نمایندگی اتحاد برای دمکراسی در ایران و حزب دمکرات کردستان ایران در پاریس برگزار گردید. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، روز جمعه بیست و ششم شهریورماه، نشست مشترکی بین هیأت‌های نمایندگی اتحاد برای دمکراسی در ایران و حزب دمکرات کردستان ایران جهت دیدار و گفتگو در پاریس برگزار شد. در این نشست اوضاع سیاسی در ایران و منطقه، و رویکرد جدید حزب دمکرات کردستان ایران مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. در این دیدار طرفین بر ضرورت یگانه کردن کوشش‌ها در جهت برقراری دمکراسی در ایران و

رفع هرگونه تبعیض با اتکا به جنبش‌های مدنی و حرکات اعتراضی سراسری در ایران تأکید داشتند. همچنین ضرورت گسترش گفتگو و دیالوگ هدفمند میان همه نیروها و جریان‌های سیاسی ایرانی برای ایجاد توافق بر سر نحوه گذار به دمکراسی و استقرار یک نظام دمکراتیک در ایران مورد تفاهم بود. نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران در این دیدار ضمن توضیح علل اتخاذ سیاست جدید، بر خصلت تدافعی رویکرد مسلحانه‌ی خود پای فشردند و تأکید کردند این رویکرد را تنها به عنوان پشتوانه‌ی مبارزات مدنی و غیر خشونت‌آمیز مردم اتخاذ کرده‌اند. هیأت نمایندگی اتحاد برای دمکراسی

یک مزدور رژیم در کامیاران به سزای خیانت‌های خود رسید



به سزای خیانت‌هایش علیه خاک و ملت خود رسید. این مزدور رژیم در مورخه‌ی دوازدهم فروردین‌ماه ۱۳۷۳ خورشیدی نیز مورد هجوم افراد مسلح قرار گرفته بود تا به سزای اعمال خود برسد، اما تنها مجروح شد. نامبرده از اوایل انقلاب ایران به عنوان مهره‌ی در خدمت سیاست‌های اشغالگرانه‌ی رژیم در کردستان بوده است. همچنین خبرنگار کردستان میدیا گزارش داد که روز جمعه، ۹ مهرماه در کامیاران یکی دیگر از عوامل رژیم به نام "جبار ابراهیمی" به هلاکت رسیده است. در هفته‌های اخیر، شماری از مهره‌های رژیم در کردستان به سزای خیانت‌های خویش رسیده‌اند.

۱۳۹۵ خورشیدی، یک مزدور رژیم در منطقه‌ی کامیاران به نام "صدیق امینی" ملقب به "صدیق گر" ساکن روستای "تخت زنگی" به ضرب گلوله‌ی افراد ناشناس از پای درآمد. این مزدور خائن در خانه‌ی باغ خود واقع در راه "توقه گوین"

در ادامه‌ی مجازات مهره‌ها و عوامل رژیم ایران در منطقه‌ی کامیاران، یکی دیگر از خائنین به کردستان و ملت کرد، به سزای اعمال خیانتکارانه‌ی خود رسید. طبق گزارش رسیده به وبسایت کردستان میدیا، حوالی ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر روز جمعه نهم مهرماه

مسئول کمیته‌ی حزب دمکرات در خارج از کشور:

این حرکت ما، دفاع مسلحانه در مقابل وحشی‌گری‌های جمهوری اسلامی در کردستان است

به دلیل بیکاری و مشکلات معیشتی را تأیید نمی‌کنند و شیوه مسلحانه‌ی مبارزاتی، به نظامی شدن هر چه بیشتر منطقه و اعمال فشار بیشتر، نه تنها بر احزاب و ملت کرد، بلکه بر تمامی اقشار و فعالان سیاسی و مدنی در سراسر ایران منتهی می‌شود. چند روز قبل، حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری آسوشیتدپرس تأکید کرده بود: وقتی که می‌بینیم مردم کردستان توسط نیروهای رژیم ایران بازداشت و شکنجه و روانه زندان می‌شوند، مبارزه برای حفظ کرامت مردم کردستان را ضروری می‌دانیم و تصمیم گرفتیم نیروهای پیشمرگه در میان مردم حضور داشته باشند، اما نه برای مبارزه‌ی مسلحانه.

حمایت از مبارزات مدنی است. وی همچنین هر گونه ادعا مبنی بر دریافت کمک‌های مالی و تسلیحاتی از کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی را تکذیب نمود. در واکنش به سخنان شاهو حسینی، علی‌اکبر امیدمهر، دیپلمات سابق رژیم اسلامی ایران و از اعضای کمیته‌ی سفارت سبز مدعی شد: این حرکت حزب دمکرات موجب رادیکال شدن جامعه و جنگ داخلی می‌شود و این قضیه موجب تجزیه‌ی ایران می‌شود. این دیپلمات سابق رژیم در سخنان خود همچنین مدعی شده که حزب دمکرات از عربستان سعودی کمک‌های تسلیحاتی دریافت کرده و بر وجود شواهد و اسنادی در این رابطه تأکید می‌کند. همچنین مرتضی کاظمیان، فعال ملی - مذهبی مرکزگرا ادعا دارد که اکثر مردم کردستان اتخاذ مبارزه مسلحانه

شاهو حسینی، مسئول کمیته‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور طی گفتگویی با رادیو فرانسه بر تداوم مبارزات نوین حزب دمکرات در داخل کردستان ایران تأکید کرد. شاهو حسینی در این گفتگو در ارتباط با مبارزات نوین حزب دمکرات اعلام کرد: حزب دمکرات کردستان ایران، حدود دو دهه از اقدامات و رویکرد مسلحانه در پیشبرد اهداف مبارزاتی مزبور دوری گزید، اما با به سرانجام نرسیدن رویکرد سیاسی و در پی درخواست فعالان کرد و در برابر رویکرد جمهوری اسلامی در مقابله با خواسته‌های ملت کرد، حزب دمکرات بار دیگر به شیوه‌ی دفاع مسلحانه به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های مدنی روی آورده است و این حرکت ما، دفاع مسلحانه در مقابل وحشی‌گری‌های جمهوری اسلامی در کردستان و

بیانیه‌ی شورای نظامی حزب دمکرات، درباره‌ی درگیری پیرانشهر



شورای نظامی حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با وقوع درگیری میان پیشمرگه‌های حزب و نیروهای ضد خلقی رژیم اشغالگر جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی پیرانشهر، بیانیه‌ای منتشر نمود. متن این بیانیه که در اختیار وبسایت کردستان میدیا قرار گرفته است، به شرح زیر می‌باشد: در ادامه‌ی گشت سیاسی - تشکیلاتی پیشمرگه‌های حزب دمکرات کردستان ایران در منطقه‌ی موکریان، حوالی ساعت ۸ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۸ شهریورماه ۱۳۹۵ خورشیدی برابر با ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی واحدی از نیروهای پیشمرگه‌ی حزب در منطقه‌ی پیرانشهر و در حد فاصل روستاهای "قهربری حسین" و "بردانان" با نیروهای مزدور رژیم درگیر شدند. بر اثر این درگیری شماری از نیروهای

مقدس کردستان سپرده شد. حزب دمکرات کردستان ایران ضمن ابراز همدردی با خانواده گرامی شهید رحیم عبدالله‌نژاد و همسنگرانش و تمامی مردم منطقه، تداوم راه این شهید والامقام را ارزش می‌کند. یادش گرامی و راهش پرهرو باد.

رژیم کشته و زخمی شدند و یکی از پیشمرگه‌های حزب دمکرات کردستان ایران به نام "رحیم عبدالله‌نژاد" فرزند ابوبکر، موسوم به "رحیم گرگولی" نیز مجروح گردید که متأسفانه به علت شدت جراحات وارده، پس از چند روز به صف کاروان شهیدان پیوست و از سوی همسنگرانش به خاک

مراسم یادبود شهیدان میگونوس، در درسیم برگزار شد

مراسم گرامیداشت یاد شهیدان میگونوس در شهر درسیم کردستان ترکیه برگزار شد. روز شنبه سوم مهرماه ۱۳۹۵ خورشیدی با حضور ده‌ها تن از نویسندگان و شخصیت‌های نامدار شهر درسیم کردستان ترکیه، به همت حزب سوسیالیست کردستان، مراسم ویژه‌ی یاد شهیدان فاجعه‌ی تروریستی میگونوس، در دفتر نمایندگی حزب سوسیالیست در این شهر برگزار شد.

در این مراسم مسعود تک، دبیرکل حزب سوسیالیست کردستان در رابطه با شخصیت والای شهید دکتر صادق شرفکندی و حقانیت مبارزات حزب دمکرات کردستان ایران سخنانی ایراد نمود. ایشان در سخنان خویش به تشریح مبارزات حزب دمکرات کردستان ایران و نقش رهبران این حزب به ویژه پیشوا قاضی محمد به عنوان بانی و مؤسس حزب و جمهوری کردستان و همچنین شهیدان دکتر

قاسملو و دکتر شرفکندی و ترور این دو رهبر بزرگ ملت کرد (یکی بر سر میز مذاکره با رژیم ایران برای حل مسأله‌ی کرد و دیگری در نشست با ابوزیسیون ایرانی) توسط به اصطلاح دیپلمات‌ها و تروریست‌های اعزامی رژیم پرداخت. آقای مسعود تک همچنین در اظهارات خویش بر روابطه دوستانه‌ی حزب دیرین حزب دمکرات و حزب سوسیالیست و اهمیت و ضرورت تحکیم این روابط تأکید نمود.

ادامه‌ی سفن

دیگر ضربه زدن به آن یکی، باعث می‌شود که جمهوری اسلامی تبدیل به تعیین‌کننده‌ی میدان جنگ و قوانین و چارچوب‌های رفتاری شود و بدیهی است که بازی را به گونه‌ای پیش خواهد برد که تمامی گروه‌ها در ضعف و تضادی همیشگی با یکدیگر باقی بمانند و نهایتاً نیز همچنان چشم به الطاف اربابی باشند که آنان را به دور هم گرد می‌آورد. خطرناک‌تر از همیشه زمانی است که اراده و هویت انسانی و ملی مبارزان و افراد دارای مواضع مستقل را چنان مخدوش نموده و در هم شکسته و به انحراف بکشاند که از کشته شدن آن دیگری به دست دشمنان ابراز شور و شغف نمایند! این نهایت انحطاط شخصیت و فروپاشی اراده و کرامت یک انسان است که با کشته شدن یکی از فرزندان میهنش به دست دشمنان کردستان ابراز خوشحالی نماید. همانگونه که نمونه‌هایی از آن را در میان هواداران برخی از سازمان‌های بخش‌های مختلف کردستان شاهد بوده‌ایم.

جنگی که از لحاظ سیاسی و تبلیغی، به ویژه توسط جمهوری اعدام اسلامی انجام می‌گیرد، هدف از آن همانا درهم شکستن اراده‌ی ملت کرد است و آحاد مبارز جامعه‌ی کردستان، بایستی مراقب این جنگ ضد بشری باشند.

مبارزه غیرخسونت آمیز و وضعیت ایران



بیربار

ترجمه: کردستان

مجال‌ها و طیفی از راهکارهای مدنی که فارغ از خسونت باشد، استفاده می‌شود؛ از نافرمانی مدنی و تحصن تا نماز و روزهی سیاسی به منابه ابزاری برای بیان مخالفت و ناراضی‌ها می‌توان بهره برد. از نوع چنین جنبش‌هایی می‌توان به جنبش "عدم همکاری" گاندی در عصر نهضت استقلال‌طلبی هند، جنبش "حقوق مدنی" مارتین لوتر کینگ در آمریکا، شورش "ضد آپارتاید" ماندلا در آفریقای جنوبی و "انقلاب قدرت" مردم فیلیپین اشاره نمود. زندگی، سرگذشت و طریقه‌ی مبارزاتی رهبران بزرگ و مؤثر خط‌مشی غیرخسونت‌آمیز همچون گاندی و بعد از او مارتین لوتر کینگ و ماندلا، به راحتی مبین این نکته است که تلاش‌ها و اقدامات مقطعی و فرصت‌طلبانه‌ی عده‌ی معدودی آن هم در رویداد موقتی دیگری نظیر انتخابات، که مستقیماً و غیر مستقیم در جهت تقویت سیاست‌های مستبدانه‌ی رژیم‌ها می‌باشد، نه مبارزه محسوب می‌شود و نه به تنهایی در دایره‌ی مشی مبارزاتی غیرخسونت‌آمیز است. به همین دلیل نگاهی گذرا به طرق مبارزاتی این خط‌مشی ضروری به نظر می‌رسد. همچنان که روز جهانی عدم خسونت به مناسبت زادروز مهاتما گاندی نامگذاری شده، این بزرگ‌مرد، بنیانگذار، بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین رهبر مشی مبارزات غیرخسونت‌آمیز به شمار می‌رود. مبارزات گاندی علیه استعمار بریتانیا سال‌های متمادی ادامه داشت. علی‌رغم وجود انتخابات و تا حد بسیاری پیش‌شرط‌های انتخابات همچون آزادی تحزب و جریان‌های سیاسی و آزادی

نبود، هدف و استراتژی داشت و در این راه غیر از خسونت، همه گونه تلاشی به عمل می‌آورد و از کار و تلاش باز نمی‌ایستاد. به یاری جنبش خلافت مسلمانان شتافت و این کار را با نافرمانی مدنی و عدم همکاری با رژیم و عدم استفاده از کالاهای خارجی و برگزاری محافل و گردهمایی‌ها، سخنرانی، نماز خواندن، روزه گرفتن و سمبل‌سازی ادامه داد. به زندان افتاد و شکنجه شد، لیکن از هدف خویش که همانا استقلال هندوستان بود، دست برنداشت. تمامی اینها در حالی بود که بستری آزاد و دموکراتیک برای پیگیری اهداف فراهم بود. حزب کنگره تحت رهبری معنوی گاندی، قانوناً فعالیت سیاسی می‌کرد. پس از گاندی نیز در سایر کشورها این خط مشی مستمر، خسونت‌پرهیز و در عین حال دشوار پیگیری شد. مارتین لوتر کینگ با تشویق مردم و معنویت استوار خویش در جنبش حقوق مدنی و با سخنرانی و خطابه‌های آتشین، مردم را به ریختن به خیابان‌ها برانگیخت و در راه عدالت و برابری از هیچ تلاش مسالمت‌آمیزی دریغ نوزید. این در حالیست که بستر آزادی سیاسی و فعالیت قانونی و انتخابات آزاد فراهم بود. با این حال نیز بدون آگاه‌سازی مردم و آزادی راهپیمایی و گردهمایی، وجود انتخابات به تنهایی کافی نیست، از همین رو، مدت مبارزات خیابانی را برگزید و به پیگیری هدف عدالت‌خواهانه‌اش ادامه داد و گرچه جان خود را در این راه از دست داد، لیکن جنبش تحت رهبری‌اش تا حد زیادی به اهداف خویش نائل گردید. در آفریقای جنوبی، ماندلا خود

در زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲ خورشیدی، همچون دوره‌های قبلی این نمایش، از سوی تبلیغات حکومت همانند تمامی انتخابات دیگر و وعده‌های دروغین برای گمراه ساختن و فریب مردم و کشاندن آنها به پای صندوق‌های رأی آغاز شده بود و از دیگر سو نیز برخی از فعالین کرد با توجهات مختلف سعی در تحریک مردم به شرکت در انتخابات را داشتند. حکومت همواره برای اهداف سیاسی و مشروعیت بخشیدن به نظام سیاسی خویش کلیه اقدامات را مد نظر دارد که انتخابات یکی از این ابزارهاست و گرچه همه نیک می‌دانند که سازوکار انتخابات به خودی خود به معنای دموکراسی تعبیر نمی‌شود و بدون پیش‌شرط‌هایی نظیر آزادی‌های سیاسی نمی‌توان نام انتخابات دموکراتیک را بر آن گذاشت و تنها نمایش عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی از قماش نمایش‌های عراق زمان صدام حسین و کوهی شمالی و ... است، به همین جهت در اینجا فقط به سیاست طرف مقابل یعنی گروهی از فعالین کرد پرداخته خواهد شد. احتمالاً بسیاری از توجیهاتی که طرف‌های شرکت‌کننده در نمایش انتخابات رژیم ایران مطرح می‌کنند زیاد عجیب و بدیع نباشند و در هر صورت در راستای سیاست و مصلحت فردی و گروهی آنان بوده و چنین ایجاب کرده باشد. اما غیرعادی آن بود که درست قبل از برگزاری انتخابات و زیر عنوان "مبارزه‌ی مدنی و بدون خسونت" و حتی "پیروان مشی گاندی" به شدت مردم را به حضور در پای صندوق‌های رأی ترغیب می‌کردند. آشکار بود که آنان نه درکی از مبارزه‌ی مدنی و غیرخسونت‌آمیز داشتند و نه با راه و روش شخصیت‌های نام‌آور مبارزات غیرخسونت‌آمیز آشنایی چندانی داشتند و تنها برای سوءاستفاده‌ی سیاسی و فرصت‌طلبی و سیاق محافظه‌کارانه‌ی خویش بدان پناه می‌بردند. غافل از آن که این راه و رسم و شیوه‌ها در جهان شناخته شده و به آسانی نمی‌توان دستاویز قرار گیرند. به هر حال در آستانه‌ی روز جهانی عدم خسونت، فرصتی برای یادآوری و نگاهی به این مسلک است. مبارزه‌ی غیرخسونت‌آمیز بدان معناست که از زور و خسونت برای تغییرات سیاسی و یا اجتماعی استفاده نگردد. این خط‌مشی در طرق مختلف خود عبارت است از مبارزه‌ی مداوم مدنی و غیر مقطعی در جهت دستیابی به اهداف و در این راستا از تمامی فرصت‌ها و

منافع شخصی فراتر نرفته است، به گونه‌ای که در اغلب مواقع، فعالان کرد حکومتی به دریافت برخی مناصب ساده‌ی اداری، رضایت داده و تا زمان انتخابات بعدی در صدد فعالیت چندانی بر نیامده‌اند، مبادا این موقعیت خویش را از دست دهند و لذت زندگی عادی بدون مشکلات روزمره از آنان سلب گردیده است. به هر حال، در چنین فضای سیاسی کاملاً مسدودی که از یک سو فرصتی برای فعالیت مدنی وجود ندارد و جامع‌نیز سرکوب شده و قادر به دفاع از زندانیان و فعالان سیاسی نیست و تجمعات و سخنرانی‌ها و برگزاری نشست‌ها و محافل آزاد و آزادی مطبوعات، تشکیل احزاب و سازمان‌ها و ... ممنوع است و از سوی دیگر، مروجان انتخابات اغلب افرادی ماهیتاً محافظه‌کار بوده و حاضر نیستند هیچ گونه هزینه و فداکاری خاصی از خود نشان دهند، تبلیغ برای مبارزه‌ی سیاسی مسالمت‌آمیز آن هم صرفاً در هنگام انتخابات، چیزی غیر از توجیهات ناروا و استفاده‌ی نسنجیده و برای فریفتن افکار عمومی نیست. بر این اساس، خط مشی "عدم خسونت" دست کم در وضعیت کنونی ایران و با ویژگی‌های فعلی آن، به تنهایی پاسخگو نیست و تجربه‌ی نزدیک به چهار دهه زمامداری جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که تغییر سیاسی بدون وجود یک اهرم فشار و خسونت داخلی و خارجی، دشوار بوده و حکومت سرکوبگر از هر گونه تغییر به ویژه در وضعیت حقوق بشر کردستان در راستای حقوق ملت کرد ممانعت به عمل می‌آورد.

دوم، محدود ساختن زمان مبارزه و تداوم آن تا دستیابی به هدف. سوم، محافظه‌کار و فرصت‌طلب نبودن رهبران و فعالان سیاسی و وجود روحیه‌ی فداکاری و ایمان به راهشان و وقف کردن خویش در راه از سوی آنان. این سه نکته می‌توانند سه معیار عمده برای تشخیص این باشند که از یک سو، آیا کار مبلغان و فعالان کرد در انتخابات در زمرة مبارزات مسالمت‌آمیز و مدنی قرار می‌گیرد یا خیر؟ و از سوی دیگر، آیا صرفاً در پیش گرفتن چنین راهی، می‌تواند برای ایران مناسب باشد یا نه؟ نخست اینکه در کشور ایران حداقلی از آزادی سیاسی وجود نداشته است که بتوان صرفاً به مبارزه‌ی سیاسی و عدم خسونت توسل جست. سرکوب فعالان سیاسی بیرحمانه و در بالاترین حد خود بوده است. در کشورهایی که به عنوان مثال به آنها اشاره شد، گرچه رهبران سیاسی و فعالان به زندان نیز افتاده و سختی‌هایی نیز کشیده‌اند، لیکن در خارج از زندان و در میان مردم، فعالیت و حمایت از آنان ادامه داشته، در حالی که در ایران چنین نبوده است. حتی در میان خود فارس‌ها نیز چند سالی است که رهبران جنبش سبز بازداشت شده و تمامی حقوق اجتماعی آنان سلب شده و سرکوب گردیده‌اند. در همین رابطه، فقدان مبارزات مبتنی بر عدم خسونت نیز همواره به معنای فقدان خسونت در این کشورها نیست، به عنوان مثال، در هندوستان علاوه بر آزادی سیاسی و مبارزه‌ی مدنی و قانونی، برخی جریانات تندرو و دارای ایمان انقلابی نیز بودند که تمام‌کننده‌ی انقلاب خسونت‌پرهیز بودند. به هر حال، قبل از انتخابات، وجود پیش‌شرط‌هایی از قبیل آزادی

در هندوستان علاوه بر آزادی سیاسی و مبارزه‌ی مدنی و قانونی، برفی جریانات تندرو و دارای ایمان انقلابی نیز بودند که تمام‌کننده‌ی انقلاب فشنونت‌پرهیز بودند.

را وقف راهی ملتش کرد و تا رسیدن به آرمان خویش، دست از تلاش بر نداشت و نام خود را در زمرة ی جاویدنامان تاریخ مبارزات خسونت‌پرهیز ثبت نمود. در این کشور دست کم این فرصت فراهم بود که بتوانند با تحمل زجر فراوان و تلاش و کوشش، فعالیت سیاسی را ادامه داده و از آینده‌ی روشن برخوردار شوند و خواست‌هایشان برآورده گردد. روش مبارزه‌ی این رهبران، ویژگی‌های آنان و شرایط کشورهایشان، نشاندهنده‌ی برخی جوانب و ویژگی‌هاست که خط‌مشی عدم توسل به خسونت در مبارزه و این امر را که در چه شرایطی این خط‌مشی موفق خواهد بود، تعیین می‌کند. این جوانب عبارتند از: نخست، وضع سیاسی کشورها و وجود فضای باز لازم (ولو اندک) برای فعالیت سیاسی.

بیان و مطبوعات و ... اما گاندی هیچ گاه مبارزه‌ی خود را به انتخابات و مقطع انتخابات محدود نکرد. گرچه احزاب و سازمان‌ها به ویژه حزب کنگره و رهبران سیاسی‌تر در این دوران فعالیت می‌کردند و اکثریت رأی‌ها را به خود اختصاص می‌دادند. اما هیچ وقت از فعالیت سیاسی دائم علیه بریتانیا دست نکشید و استراحت چهار — پنج ساله نداشت که تنها به امید انتخابات باشند. کار سیاسی و فعالیت مداوم بود که مردم را در انتخابات برای رأی دادن به حزب کنگره و نمایندگان حقیقی ترغیب می‌کرد و بریتانیا هم به سبب گسترش نفوذ رهبران و تلاش‌های مردم بود که بعدها تسلیم شد. گاندی مدام با سخنرانی، نوشتن، فعالیت مدنی و ... در حال تلاش و حرکت بود و فرصت‌آفرینی می‌کرد. منتظر زمان انتخابات

بررسی راسان از دریچه‌ی یک خبر

آگری اسماعیل نژاد

ترجمه: سلام اسماعیل پور

روز یازدهم مهرماه ۱۳۹۵ خورشیدی کانال تلویزیونی "کردستان ۲۴" به نقل از یک منبع نامشخص، خبری با این مضمون منتشر نمود که: "نیروهای پیشمرگه‌ی حزب دمکرات کردستان ایران از مرزهای میان کردستان ایران و اقلیم کردستان عقب نشینی کردند".

کمتر از یک ساعت پس از آن، رهبری حزب دمکرات کردستان ایران این خبر را قویاً تکذیب نمود، لیکن این خبر علیرغم ساختگی بودن آن، انعکاس وسیعی در رسانه‌های داخلی ایران و کردستان به دنبال داشت. این خبر ساختگی از سوی رسانه‌های جمهوری اسلامی به گونه‌ی بسیار شتابزده‌ای منتشر گردید، به طوری که برخی از این رسانه‌ها ادبیات رسمی تقض نمودند، به عنوان مثال، خبرگزاری "زریان" که یکی از خبرگزاری‌های داخلی کردستان ایران است و مرکز آن در بوکان قرار دارد، نوشته بود که رهبری حزب دمکرات تصمیم گرفته است "دفاع مسلحانه" در برابر ایران را متوقف نماید.

سؤال اینجاست که به چه دلیل خبر ساختگی عقب‌نشینی پیشمرگه‌های حزب دمکرات از مرزهای کردستان ایران با چنین گستردگی و وسعتی در رسانه‌های داخلی ایران بازتاب می‌یابد؟

در پاسخ به این سؤال بایستی عنصر مهم خبر را بیابیم، گرچه در تنظیم یک خبر، ۶ عنصر از اهمیت اساسی برخوردارند تا مخاطب بتواند کاملاً معنا و پیام خبر را دریابد، لیکن در هیچ خبری تمامی این ۶ عنصر از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند، در این خبر نیز دو عنصر اساسی "چه کسی؟" و "کجا؟" نقش

عمده را ایفا می‌کنند. "چه کسی؟" در این خبر، همانا حزب دمکرات کردستان ایران است و "کجا؟" ارتفاعات مرزی میان کردستان ایران و اقلیم کردستان عراق است. در اینجا پرسش دیگری به میان می‌آید: دلیل اهمیت ترک این ارتفاعات از سوی حزب دمکرات چیست؟ در پاسخ باید بگوییم که حضور در عمق خاک کردستان عراق، جنبش کردستان ایران را دستخوش چهار بحران عمده نموده است:

۱: از آنجا که پایگاه‌های احزاب دخیل در رهبری جنبش کردستان ایران در عمق خاک کردستان عراق واقع شده و اکنون حکومت اقلیم کردستان و ایران به عنوان دو همسایه با یکدیگر تعامل می‌نمایند و روابط عادی دیپلماتیک، فرهنگی و حتی امنیتی میان آنان برقرار است، رهبری جنبش کردستان ایران نمی‌تواند نسبت به روابط عادی میان ایران و کردستان عراق بی‌تفاوت بوده و از آنجا به طراحی عملیاتی علیه جمهوری اسلامی بپردازد، بنا بر این، تداوم حضور و ماندگاری در عمق خاک کردستان عراق مستلزم نوعی کاهلسی و کرختی در روند کار جنبش است.

۲: کوهستان در فرهنگ مبارزاتی کردستان و همچنین در ذهنیت آحاد ملت کرد نماد ایستادگی و مقاومت است و حضور پیشمرگه در کوهستان مستقیماً بر روحیه و مقاومت مردم در داخل کردستان تأثیرگذار است، بنا بر این، عدم حضور در کوهستان به منزله‌ی فروپاشی این نماد ذهنی در ذهنیت فرد کرد است.

۳: جغرافیای ارتفاعات واقع در حد فاصل کردستان ایران و کردستان عراق، جغرافیای نظامی ویژه‌ای است که از دو جنبه دارای اهمیت می‌باشد:

الف: وارد کردن ضربات نظامی سنگین به نیروهای پیشمرگه‌ی مستقر در این منطقه، علاوه بر هزینه‌های سنگین آن، کار بسیار

دشواری نیز هست.

ب: یک نیروی نظامی پارتیزانی اگر در کوهستان مستقر باشد، از لحاظ ذهنی برای اجرای وظایف و امور مربوطه، از آمادگی بیشتری برخوردار است.

این در حالیست که محل استقرار احزاب کردستان ایران در عمق خاک کردستان عراق از لحاظ نظامی فاقد این ویژگی ارتفاعات مرزی میان این دو بخش از کردستان است.

۴: حضور نیروهای پیشمرگه‌ی جنبش کرد در ارتفاعات مرزی میان دو بخش از کردستان، از لحاظ عملی، هم از جنبه‌ی زمانی و هم از جنبه‌ی مرزهای حمایتی به معنای مجال بیشتری برای حمایت از مبارزات توده‌های مردم کردستان ایران و همچنین برقراری ارتباط بهتر با این توده‌هاست که حضور در عمق خاک کردستان عراق بدون تردید فاقد این ویژگی است.

در کنار این عوامل، اگر بخواهیم این واقعیت را بپذیریم که سیاست "حفظ منافع اقلیم" در ۲۵ سال گذشته فقط جنبش کردستان ایران را با رخوت مواجه نکرده بود، بلکه بخش رهبری این جنبش را به گونه‌ای در حلقه‌ی یک محاصره‌ی اعلام‌نشده گرفتار نموده بود، محاصره‌ای که از لحاظ نظامی در صورت وقوع هر گونه برخوردی، نیروهای دشمن را در موضع قدرت قرار می‌دهد، این مسأله نه صرفاً به خاطر توان نظامی بیشتر دشمن، بلکه به خاطر موقعیت جغرافیایی محل استقرار رهبری جنبش نیز هست. از لحاظ سیاسی نیز این سیاست و رخوت ناشی از آن، سطح و جایگاه حزب دمکرات را در عمل تنزل داده بود، بدین معنا که از لحاظ عملی، حزب دمکرات نمی‌توانست به تناسب پایگاه مردمی خود به ایفای نقش سیاسی بپردازد. این مسأله نیز از دو بُعد برای حزب دمکرات مشکل‌ساز می‌شد:

۱: این که دست حزب دمکرات برای تبدیل پایگاه مردمی‌اش

به قدرت سیاسی باز نبود، سبب گردیده بود که این حزب نتواند از جایگاه شایسته‌ی خویش در بازی‌های سیاسی کردستان، ایران و منطقه برخوردار گردد.

۲: فقدان جایگاه سیاسی شایسته‌ی حزب دمکرات در بازی‌های سیاسی، یعنی جایگاهی که درخور پایگاه مردمی آن باشد، باعث شده بود که بدنه‌ی مردمی حزب دمکرات، رهبری این حزب را شدیداً آماج انتقادات خود قرار داده و نوعی نگرانی و بی‌اعتمادی بر روابط میسان هواداران حزب و رهبری آن حکمفرما شود.

علاوه بر این مباحث، از آنجا که حزب دمکرات پرچمدار اصلی گفتمان ملی دمکراتیک کردستان ایران می‌باشد، سیاست "حفظ منافع اقلیم کردستان" و رکود ناشی از در پیش گرفتن چنین سیاستی باعث شده بود که این گفتمان هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ عملی دچار نوعی ضعف شود که این ضعف نیز خود زمینه‌ساز شکل‌گیری دو پدیده گردید:

۱: تشست و پراکندگی در صفوف حامیان این اندیشه و عدم شکل‌گیری اجماعی در میان اندیشمندان معتقد به این گفتمان.

۲: حملات ناروا علیه پایگاه مردمی و فکری جنبش ملی - دمکراتیک کردستان ایران و انتشار بذر تردید و یأس در میان مردم و هواداران این جنبش با هدف ایجاد تفرقه و پراکندگی در صفوف مردم و باورمندان به جنبش ملی دمکراتیک کردستان ایران. با آغاز پروژه‌ی راسان کردستان ایران و بازگشت نیروی پیشمرگه‌ی حزب دمکرات به کوهستان‌های مرزی حد فاصل کردستان ایران و اقلیم کردستان عراق، نخستین دستاورد حاصله، این بود که جنبش کردستان ایران از آن محاصره‌ی اعلام‌نشده رهایی یافت. مهمترین معنای این امر از لحاظ سیاسی این بود که جنبش کردستان ایران با آغاز پروژه‌ی راسان، پایگاه اجتماعی خویش را از پراکندگی و اتهامات

ناروا رهایی داده و راسان باعث جمع شدن مردم حول محور جنبش ملی - دمکراتیک و از آن طریق نیز تحریک و تهییج افکار عمومی برای آغاز نمودن مبارزات مسالمت‌آمیز تأثیرگذار بر رژیم خواهد شد.

بنا بر این، یکی از مهمترین عوامل بازتاب وسیع خبر ساختگی عقب‌نشینی پیشمرگه‌های حزب دمکرات، این بود که در وهله‌ی نخست، راسان حلقه‌ی محاصره‌ی شدید علیه جنبش کردستان ایران را شکست و بستر لازم برای شکل‌گیری و گسترش مبارزات مسالمت‌آمیز در کردستان را فراهم نموده است.

این تنها عامل بازتاب وسیع و چشمگیر خبر ساختگی عقب‌نشینی پیشمرگه‌های حزب دمکرات نبود، بلکه علل و عوامل دیگری نیز دخیل و تأثیرگذار بودند.

از مهمترین این عوامل می‌توان به این موضوع اشاره نمود که به دنبال نبردهای حماسی اشنویه و کوسلان که طی آنها چند تن از پیشمرگه‌های حزب دمکرات به شهادت رسیدند، رژیم با انتشار آمارهای دروغین و همچنین نمایش ویدیوهایی که گویا مربوط به این درگیری‌ها بودند، در صدد ایجاد نوعی رعب و وحشت در میان مردم کردستان بود، البته رژیم برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم از طریق تشدید سرکوب به منظور بازداشتن مردم از گرویدن به راسان، اقدام به دستگیری‌های گسترده در کردستان نمود و بر اساس برخی آمارها، در ۴ ماه گذشته بیش از ۷۰ تن در کردستان توسط رژیم بازداشت شده‌اند. همزمان با این مسأله، رژیم از طریق رسانه‌های خویش جنگ روانی گسترده‌ای را علیه راسان آغاز نموده است، لیکن هیچ یک از این راه‌ها که به عنوان پروژه‌ی سرکوب از سوی رژیم در پیش گرفته شده‌اند، نتوانسته‌اند که مردم کردستان ایران را از پیوستن به راسان بازدارند، یعنی سرکوب‌های رژیم گرچه بسیار گسترده و وحشیانه بوده، لیکن نتوانسته به هدف خویش که همانا ایجاد رعب در جامعه بود، نائل شود و مانع از ارتباط گرفتن مردم با راسان گردد، بلکه جامعه‌ی کردستان راسان را به عنوان روند مبارزه‌ی برحق ملت کرد نگریسته و حتی وسیعاً در شبکه‌های اجتماعی حمایت خود را از آن اعلام می‌نماید و راسان در کانون مباحث روزانه‌ی زندگی اجتماعی قرار گرفته است.

علاوه بر این، برخی از کسانی که سلاح رژیم را حمل می‌کردند، تحت تأثیر راسان، سلاح‌هایشان را به زمین گذاشتند. همزمان، در کنار نیروی پیشمرگه، یک نیروی مسلح مخفی در شهرهای کردستان نیز شکل گرفته و همان گونه که شاهد هستیم، علیرغم سرکوب‌های گسترده‌ی رژیم، تاکنون این نیروی مخفی چندین عملیات مسلحانه انجام داده است. تفاوت آنان با نیروی پیشمرگه این است که آنان نیرویی مخفی و در میان

مردم و جامعه هستند، بنا بر این، فعالیت آنان بدین معناست که خشونت‌های رژیم علیه نیروی پیشمرگه باعث عقب‌نشینی و وحشت این نیرو نشده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که گرچه ماشین سرکوب رژیم اکنون با تمام سبوعیت خویش در مقابل راسان ایستاده است، لیکن نتوانسته به هدف اصلی خویش که ایجاد رعب و وحشت در جامعه می‌باشد، نرسیده و با تداوم راسان از لحاظ زمانی نیز مطمئناً روزی‌روز از تأثیرات اندک رعب و وحشتی که رژیم از طریق سرکوب نظامی شدید در جامعه ایجاد نموده، کاسته خواهد شد. این بدین معناست که رژیم مهمترین سلاح خویش برای اجرای سیاست‌هایش در جامعه‌ی کردستان را که همانا ایجاد رعب و وحشت از طریق توسل به سرکوب بوده است، به

تدریج از دست می‌دهد. این دومین دستاورد مهم راسان است، زیرا سرکوب به عنوان ابزاری جهت ایجاد رعب و وحشتی که همانند بذری در دل افراد کاشته می‌شود و برای کنترل جامعه‌ی کردستان به کار گرفته می‌شود، همواره سلاح نیرومند رژیم در کردستان بوده است. این در حالیست که پس از آغاز راسان، این سلاح رژیم به اندازه‌ی کافی نتوانسته است که رعب و وحشت را در دل‌های مردم بکارد، بلکه برعکس استیلای دستگاه سرکوب رژیم در هم شکسته شده است.

این بدان معناست که مهمترین سلاح رژیم برای اجرای سیاست‌هایش در کردستان ایران رفته‌رفته کارایی خود را از دست می‌دهد.

این بدان معناست که مهمترین سلاح رژیم برای اجرای سیاست‌هایش در کردستان ایران رفته‌رفته کارایی خود را از دست می‌دهد. این بدان معناست که مهمترین سلاح رژیم برای اجرای سیاست‌هایش در کردستان ایران رفته‌رفته کارایی خود را از دست می‌دهد. این بدان معناست که مهمترین سلاح رژیم برای اجرای سیاست‌هایش در کردستان ایران رفته‌رفته کارایی خود را از دست می‌دهد.



لرها کیستند و لرستان کجاست؟



شریف فلاح

مقدمه:

که این بخش از ملت کرد به این دلیل لور خوانده می‌شوند که در منطقه‌ی "مانرود" (بخشی در جنوب کردستان ایران در نزدیکی خلیج هرمز) روستایی وجود دارد به نام "کرد" و در نزدیکی این روستا بخشی واقع شده به لری به آن "کول" گفته می‌شود و در بخش دیگری نیز جایی به نام "لر" وجود دارد و به دلیل اینکه طایفه‌ی لرها در اصل ساکن این منطقه بوده‌اند و نام خودشان را همان "لر" نهاده‌اند. از طرفی در قسمت شمالی شهر اندیمشک که از توابع استان خوزستان محسوب می‌شود، شهری کهنه و ویران به نام "لور" وجود دارد که آثار به جا مانده از چندین امپراطوری و دولت، مانند مادها، پارتها، ساسانیان، اشکانیان و سدهای اسلامی اولیه در آن پیدا شده و عده‌ای از تاریخ‌نویسان بر این باورند که این شهر مورد حمله‌ی مغولان واقع شده و از بین رفته و چون این شهر موطن نیکان لرها بوده، نام لر و لرستان از آن گرفته شده است. عقاید دیگری نیز در این مورد وجود دارد که چون در حد فرضیه مانده‌اند و هیچ سند و مدرکی برای اثبات آنها هنوز وجود ندارد، لذا از اشاره به آن خودداری می‌کنیم. لهجه و گویش لرها: به دلیل این که لهجه و زبان لری به شیوه‌ی آکادمیک مورد بحث و تحقیق قرار نگرفته است و تاکنون لرها به‌ویژه آنهایی که ساکن مناطق لر نشین ایران می‌باشند، دستوری برای به‌کارگرفتن و نوشتن زبانشان ندارند، در بیشتر اوقات فارس‌ها و ترک‌ها در تلاش بوده‌اند که لرها و لهجه‌ی لری را به عنوان به‌خشی از ملتو زبان خود معرفی کنند، یا برای اینکه بتوانند میان لر و کرد تفرقه‌افکنی کنند، لهجه‌ی لری را زبانی مستقل از زبان کردی تعریف کرده‌اند و چندین تئوری بلندپایه و مدارک ساختگی نیز ارائه داده‌اند. طبقه‌بندی:

این مسأله که لهجه‌ی لری بخش جدایی‌ناپذیر از مابقی لهجه‌های زبان کردی است، از سوی بسیاری از شخصیت‌های بلندپایه و محققان و ده‌ها متخصص زبان‌شناس تأیید شده است، اگر

مختصین زبان‌شناس، فرصت این که تحقیقی میدانی و پراکتیکی در مورد لهجه‌های زبان کردی به صورت عمومی در هر چهار بخش تحت اشغال کردستان و بررسی تخصصی‌تری در مناطق لر نشین انجام می‌دادند، صد درصد بدون هیچ تردیدی این واقعیت را قبول می‌کردند که نه تنها لهجه‌ی لری بلکه فرهنگ و آداب و رسوم و اغلب فاکتورهای اجتماعی لر و کرد همانند بوده و تاریخی به هم پیوسته و کهن دارند. بیشتر متخصصین زبان، لهجه‌های زبان کردی را بدین گونه مشخص کرده‌اند: جغرافیا و محل سکونت لرها: بیشتر مناطقی که لرها در آن سکونت دارند، در کردستان ایران واقع شده و پس از آن، تعداد زیادی از لرها در کردستان عراق زندگی می‌کنند. در ایران نزدیک به ۶ استان به طور کلی از لحاظ جمعیت و جغرافیای طبیعی و سیاسی، محیط تاریخی و معاصر لرهاست که عبارتند از: لرستان یا خرم‌آباد، چهار محال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، شیراز که اکنون به عنوان استان فارس شناخته می‌شود، بوشهر و هرمزگان. علاوه بر این، لرها و مناطقی لر نشین بخشی از پیکره‌ی اجتماعی و جغرافیایی این استان‌ها را نیز تشکیل می‌دهند: کرمانشاه، ایلام، همدان، مرکزی، اصفهان، جنوب کرمان و خوزستان. در کردستان عراق و سایر مناطق کشور عراق نیز لرها در این استان‌ها ساکنند: اربیل، کرکوک، سلیمانیه، دیاله، واسط و میسان. آنان در شهرها، شهرک‌ها و دشت‌هایی مانند چمچمال، خانقین، توزخرماتو، جولولا، دشت اربیل، دشت کویه، شهرزور، دشت بیتوین، مندلی، جسان، ترصاق، هشیمه، زرواتیبه، بایرا، علی غربی، علی شرقی، باغسای، کوت و ... زندگی می‌کنند. به غیر از اینها، تعداد زیادی از لرها در مناطقی دور از جغرافیای خویش زندگی می‌کنند، به عنوان مثال، بخش بزرگی از لرهای ایران در شمال ایران در استان‌های گیلان و مازندران، در شمال خراسان، قزوین، زنجان و منطقه‌ی شاهیندژ استان

ارومیه زندگی می‌کنند که بیشتر از طایفه‌ی "چگین"، "پای"، "بیرانوند" و "چاردولی" هستند. فرهنگ و رسوم لرستان موسیقی : موسیقی لری، با موسیقی "ردیفی دستگامی" رابطه‌ی نزدیک دارد و بخش عظیمی از آهنگ‌های لری با ریتم و آهنگ‌های مناطق و کرمانشان همخوانی دارند. قسمت‌های زیادی از این موسیقی با "کمانچه" نواخته می‌شود که گونه‌ای از کمانچه‌ی منطقه‌ای است که هنر دست خود لرهاست و این کمانچه حتی تأثیر چشمگیری بر موسیقی رسمی ایران (ردیف) گذاشته است. بیشتر موسیقی و آهنگ‌های لرستان در دستگاه "ماهور" خوانده می‌شود و در بیشتر آنها کمانچه به کار گرفته می‌شود، موسیقی لرستان به چهار بخش "مراسم،

موسیقی کار، موسیقی عروسی و موسیقی بیت تقسیم شده و رقص و آهنگ‌های مرسوم در لرستان بیشتر حماسی و ملی هستند. لباس زنان لر: لباس و پوشش زنان لر، طبق جایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و از طرف دیگر بر اساس سن، متفاوت بوده و به علت سیستم عشیره‌ای و طایفه‌ای، برخی از طوائف و خانواده‌های به نام آنها، لباس‌های مخصوص به خود را دارند و این تفاوت در میان زنان چشمگیرتر است. زنان مستر لر بیشتر از پارچه و قماش‌های ساده و سه‌روین و شده (گلونی) با رنگ‌های سیاه و سفید) استفاده می‌کنند. گلونی به دلیل رنگ‌ها و طرح‌های متفاوتش زیبایی خاصی دارد و هنر دست‌ساز خود لرهاست که تاریخی دور و دراز دارد. شلوار

زاگرس، بلوط، پیشمرگه

اشغال‌شده و مردمان زیردستش بیردازیم، به ناچار به نوعی دیرینه‌شناسی عمل، معنا و سلطه نیازمندیم. با توجه به آنچه گفته شد و شناخت تاریخی-اجتماعی ایرانی‌ها از کردها، به آتش کشیدن جنگل‌های زاگرس و ایجاد بستری مناسب برای نابودی روزافزون جنگل‌های بلوط از سوی حکومت فاشیستی-مذهبی ایران تنها با هدف نابود کردن حس مقاومت و مبارزه و تثبیت بیش از پیش سلطه‌ی حکومت مرکزگرای ایران انجام می‌شود. همان گونه که در سطور بالا ذکر شد، بلوط در ناخودآگاه جمعی کردها سمبل "مقاومت، مبارزه، سرسختی، حیات بخشی، تکیه‌گاه و جان پناه بودن" است و در واقع حاکمان ایرانی با به آتش کشیدن بلوط‌ها و به نابودی کشاندن این جنگل‌ها سعی در نابودی صورت عینی این ذهنیت ناخودآگاه دارند تا از این طریق بتوانند به صورت سیستماتیک و حساب‌شده به شکل‌دهی ذهنیتی عاجز، ناتوان و سلطه‌پذیر بپردازند. در واقع هدف اصلی آتش‌سوزی‌های سال‌های اخیر زاگرس، از بین بردن حس مقاومت و سلطه‌ناپذیری کردهاست. وقتی ستمگران مرکز نشین به راحتی جنگل‌های زاگرس را به آتش می‌کشند و سرزمینی سوخته و بایر بر جای می‌گذارند، انسان کرد با مشاهده‌ی مکرر و پیاپی آن به صورت ناخودآگاه به تناقض سمبل و واقعیت و نتیجتاً یأس ناشی از آن دست می‌یابد، هدفی فاشیستی که انسان کرد را برای تسلیم شدن و سلطه‌پذیری به راحت‌الحلقومی بدل می‌سازد. سیاسی که می‌توان مثال آن را طی دو دهه‌ی اخیر در مقابله با حضور ذهنی و معنوی پیشمرگه در جامعه‌ی کردستان مشاهده کرد. طی بیش از دو دهه که نیروهای آزادیخواه پیشمرگه در عمق خاک کردستان حضور نداشتند، حکومت فاشیستی-مذهبی ایران بسیار کوشید که با بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای مختلف عدم حضور پیشمرگه -به عنوان نماد عینی مقاومت و سلطه‌ناپذیری- را به صورت برجسته شدن و نابودی این نیروی آزادیخواه نشان دهد تا با از بین بردن نماد عینی مقاومت و مبارزه، به نابودی ذهنیت سلطه‌ناپذیر و مبارز کرد و تبدیل انسان کرد به مهره‌ای مسخ شده دست یابد تا بتواند سلطه و نفوذ خود را بر کردستان تکمیل کند.

امری روانشناختی که می‌توان نمود عینی آن را در ادبیات و هنر آفریده شده در کردستان یافت. از سوی دیگر کردها سال‌ها محکم‌ترین و بهترین ابزارهای جنگی‌شان را از چوب بلوط می‌ساختند، ابزارهایی که برای دفاع و جنگ با اشغالگران سرزمین‌شان به کار می‌رفت، نه برای تجاوز و اشغال خاک دیگران. همچنین قرن‌ها زندگی در کوهستان‌های صعب‌العبور زاگرس و در دسترس نبودن گندم کافی، کردها را با امکان تبدیل بلوط به آرد آشنا ساخت. این آشنایی تا به امروز ادامه دارد و حیات این مردمان را در بدترین شرایط آب‌وهوایی ممکن ساخته است، کشتی که به بلوط نقش "حیاتبخش" ی نیز افزود. از همه‌ی این‌ها که بگذریم، بلوط‌ها همیشه در مبارزات کردها در دفاع از سرزمین‌شان نقش اساسی داشته‌اند، مبارزان کرد با بهره بردن از پوشش بلوط برای اختفا و هجوم ناگهانی بر دشمن اکثر اوقات توانسته‌اند مایه‌ی وحشت و شکست دشمنانشان شوند. این توانایی به بلوط نقش جان‌پناه و تکیه‌گاه نیز داده است. مفاهیمی همچون "مقاومت، مبارزه و سرسختی"، "حیات‌بخش بودن"، "تکیه‌گاه" و "جان‌پناه" بودن طی هزاران سال با بلوط در هم آمیخته شده و به صورت مجموعه مفاهیمی درهم‌تنیده و سمبلیک در ناخودآگاه جمعی کردها جای گرفته است، به گونه‌ای که با مشاهده و یا یادآوری نام بلوط مجموعه‌ای از مفاهیم مذکور در ذهن انسان کرد سر بر می‌آورند، مفاهیمی که کردها آن را به مبارزان و جنگاوران آزادیخواه خود نیز نسبت می‌دهند. در واقع با این کار سمبل ذهنی و انتزاعی کردها موجودیت عینی به خود گرفته و پا به عرصه‌ی اجتماعی-سیاسی می‌گذارد. کردها که خود را همواره در کنار بلوط ترسیم کرده‌اند در توصیف نیروهای آزادیخواه پیشمرگه از مفاهیمی همچون مبارز، مقاوم، سرسخت، حیات بخش، تکیه‌گاه و جان پناه استفاده می‌کنند. این تلاقی روانشناختی، خبر از یکی بودن ناخودآگاه کرد و طبیعت دارد.

اما چرا آتش؟! تمام کنش‌های انسان حاوی پیام و معناست، حال اگر بخواهیم به تحلیل کنش‌های حکومت‌های توتالیتر و اشغالگر نسبت به سرزمین‌های

شهرام میرزایی

وقتی از امپراطور شعر جهان پرسیدند کردستان کجاست، خیلی ساده جواب داد: "از جایی که بلوط آغاز می‌شود تا آنجا که بلوط به پایان می‌رسد". نگاهی به جغرافیای کردستان از شمالی‌ترین نقطه‌ی زاگرس تا جنوبی‌ترین نقطه‌ی آن مسلم بودن این گزاره را به ما نشان می‌دهد. سرزمین ما، سرزمین بلوط است نقطه‌ای از این کره‌ی خاکی که بیشترین جمعیت کردها را در آغوش گرفته و مهد شکل‌گیری حکومت مادها و نابودی اولین استعمار جهانی (امپراطوری آشور) بوده است. کردها عاشق زاگرس هستند و به همین خاطر با طبیعت آن -که شاهرگ حیاتشان نیز بوده‌است- عین شده‌اند و هیچ‌گاه نخواسته‌اند که از آن بگذرند. به همین خاطر بود که هرگز دست به آفرینش هیچ ایدئولوژی متافیزیکی نزنند و آنچه که خلق کردند - از میترا و مزدکیسم و یارسان گرفته تا هلیکره و موسیقی و شیوه‌ی زندگی‌شان- همه و همه بیانگر پذیرش واقعیت عریان هستی است، این سرگذشتی متفاوت با ملل همسایه‌ی کردهاست که البته اشغالگران سرزمین‌شان نیز محسوب می‌شوند. بلوط، دیگر ساکن زاگرس است که هزاران سال در سخت‌ترین شرایط کوهستانی ریشه در سنگ دوانده و در جدالی بی‌پایان با طبیعت خشن با مرگ دست و پنجه نرم کرده و حاضر به تسلیم نشده است. این جدال ترازیک از بلوط افسانه‌ای زنده در میان کردها خلق کرده که بخش عظیمی از ناخودآگاه جمعی‌شان را شکل داده است. ناخودآگاهی که رفتار جمعی این مردمان را نیز کنترل و هدایت می‌کند. سمبل‌ها در میان ملت‌ها نقش محوری و ناخودآگاهی در زایش، کنترل و هدایت رفتار اعضای یک اجتماع بر عهده دارند، رفتارهایی که در گذر زمان بارکد ژنتیکی به خود گرفته و به مشخصه‌ی رفتاری یک جامعه بدل می‌شوند. بلوط به دلیل سرشت مقاوم و سرسختش در برابر خشکی و آفات و مبارزه بی‌پایانش با سلطه‌ی قهرآمیز طبیعت، قرن‌ها مایه‌ی حیرت و عشق کردها بوده و هست، همزیستی هزاران ساله‌ی این دو در کنار هم، بلوط را به نمادی از مقاومت و ایستادگی بی‌پایان در ذهن انسان کرد بدل کرده است،

KURDISTAN

Organ of the Central Committee of Democratic Party of Iranian Kurdistan • No 686 • 6 oct 2016

روزنامه‌ی «کوردستان» و وب‌سایت‌های حزب دمکرات کوردستان ایران،
در شبکه جهانی اینترنت:

www.kurdistanmedia.com
info@kurdistanmedia.com

<http://www.pdki.org>
pdkiran@club-internet.fr

[telegram.me/PDKImedia](https://t.me/PDKImedia)



RAHIM GARGULI

Democratic Party Of Iranian Kurdistan

2016

رهیم گارگولی

